

از :
مهندس عباس تشید

جبر تاریخ

بررسی اجتماعی علل شکست اعراب در جنگ با اسرائیل

چرا اعراب با وجود کثرت تعداد چنین شکست سختی از اسرائیل خوردند؟

این سئوالی است که روح هر مسلمان را می آزارد و قلب او را جریحه دار می کند و این جراحت روز بروز هم عمیق تر میشود بدون اینکه مرهمی برای مداوای آن بیاید، رفتند رفته این سئوال صورت عقده ای را در روان مسلمانان بخود گرفته و بیم آن میرود که با مشاهده وضع نابسامان دول عرب این عقده روزی بطرز نامعقول منفجر شود و جسم و جان عالم اسلام را بمخاطره اندازد.

هر مسلمان علاقمند بدیانت علاقمند است راهی برای جبران این شکست پیدا نماید . و تقریباً اکثر مسلمانان عالم آرزوی کنند بصورت داوطلب در جنگ شرکت کنند باشد که لااقل باکشتن افراد دشمن آتش نهان خود را تخفیف دهند ولی آیا این تفکر که عملی کردن آن چندان هم آسان نیست راه حل اساسی است ؟

باز هم جای شکرش باقی است که لااقل تا این حد علاقمندی هنوز در بین مسلمین وجود دارد که در خواب و خیال بعالم اسلام کمک کنند . البته وظیفه زعمای قوم است که از این حس همدردی بنحوشایسته تری استفاده نمایند بدون اینکه انتظار

کمکی از هیچ منبع غیرمسلمان داشته باشند .

در ژوئن ۱۹۶۷ در اروپا بودم و بطور واضح میدیدم که مردم کشورهای اروپا علاقمندی خاصی با اسرائیل دارند و اعراب و بطور کلی مسلمین را دوست نمیدارند البته تقصیری هم ندارند این احساس نتیجه قرن‌ها تبلیغ و مبارزه مسیحیان و استعمارگران است که در سلولهای بدن هر عیسوی رخنه کرده است و با وجودیکه در حال حاضر آزادی مذاهب یکی از اصول تمدن و انسانیت شناخته شده و مردم تحصیل کرده و روشنفکر اروپا و امریکا کاملاً بآن معتقد هستند هعدالك هر عیسوی با خصومت بمسلمانان نگاه می‌کند .

ما باید حقیقت بین باشیم و هرگز توقع نداشته باشیم که مسیحیان جنگ‌های صلیبی را فراموش کنند .

این توقع بیجاست که مسلمانان بیش از هزار سال معابد مقدس مسیحیان را تحت سیطره و حکومت خود بگیرند و باز هم توقع داشته باشند که مسیحیان ایشانرا بچشم دوستی بنگرند .

آیا این خوش باوری نیست که مسلمانان در هر گوشه و کنار عالم برای حفظ استقلال خود با اروپائیان چپاولگر جانانه مبارزه کنند و ایشان را از مملکت خود برانند و منافع نامشروع ایشان را پایمال نمایند و باز هم از استعمارگران انتظار همکاری داشته باشند .

بدر کشتی و تخم کین کاشتی بدر کشته را کی بود آشتی

باین دلائل و هزاران دلیل دیگر مادام که خون مسیحی در رگهای اروپا و امریکا جریان دارد برای مسلمانان حق حیات قائل نیستند و هر چه ظاهر انما یل بکمک و مساعدت نشان بدهند جز تبلیغات پوچ و عوام فریبانه چیز دیگری نیست .

ولی در مورد یهودیان قضیه کاملاً برعکس است . گرچه یهودیان بعقیده غیر مسلمین حضرت عیسی (ع) را مصلوب کردند و معتقدان صدر مسیحیت را شکنجه و آزار دادند

ولی بیدایش اسلام مسیحیان را بطرف ایشان سوق داد تا در مقابل دشمن مشترك وقوی مقاومت کنند. یو بعد هم که اسلام بر یهود فائق شد بمصداق آیه مبارکه ضربت علیهم الذلّة والمسکنة ایشان را بدون اینکه وطنی داشته باشند در اطراف و اکناف دنیا متواری ساخت روح سازشکار یهودیان ایشان را بصورت آلت فعلی در دست عیسویان در آورد و با جلب رضایت اربابان خود بمال و مکنّت رسیدند .

در هر گوشه عالم شراب سازی و رباخواری شیوه یهودیان بوده هست ، رفته رفته این قوم در ظاهر خود را در جوامع عیسوی مستحیل ساخت و مسیحیان بین خود و ایشان اختلافی نمی یافتند و دوستی ایشان را پذیرفتند در حالیکه یهودیان نیز با استفاده از جمیع رذائل از قبیل (جاسوسی - فریبکاری - دزدی اموال عمومی - چاپلوسی و غیره که برای تمام آنها مدارک تاریخی متقن در دست است ولی در این مقاله فرصت ذکر آنها نیست) ثروتهای ملی کشورها را تصاحب کردند تا آنجا که امروز صاحب بزرگترین مؤسسات اقتصادی و بانکهای دنیا هستند و در دنیا ئیکه مانیات حکومت می کنند حدود نفوذ ایشان روشن و آشکار است ،

در واقع این دولت های بزرگ نیستند که از اسرائیل حمایت می کنند بلکه این خود یهودیانند که مصادر مشاغل مهم کشور های بزرگ جهان هستند بنا بر این چگونه مسلمین انتظار کمک از یهودیان و دوستان ایشان برای جنگ با خود ایشان را دارند ؟ آیا این دیوانگی نیست ؟

مسلمین باید این حقایق مسلم را دریابند و بی جهت منتظر اقدامات دیگران نباشند ، حق حیات کسی دارد که بتواند از آن دفاع نماید ، و ضعیف محکوم بمرگ است .

در اینجا این سؤال پیش می آید که آیا واقعا یکصد میلیون عرب از سه میلیون یهودی ضعیف ترند و اگر ضعیف ترند علتش چیست ؟

آیا قدرت جنگی و تجهیزات اسرائیل بیش از اعراب بوده است ، ؟

آیا تعداد نفرات و سربازان اسرائیل تفوق داشته است ؟
آیا قدرت بدنی عساکر اسرائیلی بیش از افراد عرب است ؟
آمار های جنگ ژوئن ۶۷ نشان میدهد که هیچکدام از برتریهای بالا برای اسرائیل وجود نداشته است .

تعداد هواپیماها - تانکها - موشک اندازها - سایر سلاحهای جدید در کشورهای عربی کمتر از اسرائیل بوده است ولی اعراب فرصت استفاده و بکار انداختن آنها را نیافتند زیرا تقریباً تمام هواپیماهای ایشان در روی زمین و تمام تانکهای ایشان بدون حضور در جبهه نبرد نامرئانه منهدم گردید و یادست نخورده بغنیمت برده شد .

پس علت شکست را باید در جای دیگر جستجو کرد با اصطلاح نظامی روحیه قوی است که جنگ را می برد نه سازوبرگ - یهودیان مجبور بودند که از دل و جان بجنگند تا حیات خود را حفظ کنند برای ایشان این جنگ نبرد بین مرگ و زندگی بود . ایشان از هیچ کوششی فروگذار نمی کردند . بهدفع جنگ معتقد بودند و فداکاری را وظیفه خود می دانستند .

ضمناً اجتماع جوان آنان در کشور اسرائیل سعی کرده بود آلودگی های گذشته یهود را اصلاح نماید ، تشکیلات کشوری ایشان با اسلوب صحیح و متکی به تکنیک مرفقی عصر حاضر بنا شده بود و اسرائیلیان را بکشور جدید الاحداث واقعا علاقمند کرده بود اینان برای وطنی که پس از هزارها سال برای خود ساخته بودند می جنگیدند نه برای هوا و هوس ولی اعراب چطور ؟

من معتقدم که بهترین جواب برای سئوالی که در صدر مقاله طرح شده است اینست که باید از زبان قرآن مجید گفت :

کم فئة قليلة غلبت فئة كثيرة .

چه بسیارند مردمی اندک که بر گروهی زیاد غلبه می کنند . آیا صدر اسلام را فراموش کرده ایم که تعدادی انگشت شمار از صحابه و انصار بر جماعات کثیر امروز

غلبه کردند .

آیا فراموش کرده ایم که چند قبیله عرب بیابانی امپراطوریهای بزرگ ایران و روم را منهدم ساختند .

آیا جز معجزه عقیده راسخ و ایمان چه عاملی میتواند این فتوحات درخشان را بوجود آورد ؟

پس چه شده است که امروز مسلمین چنین خوار و زبون شده اند در اینجاست که باید اعتراف کرد این اسلام نبود که از یهود شکست خورد بلکه این مسلمانان بودند که نتوانستند یا نخواستند وظیفه جهاد و دفاع را انجام دهند .

جهاد یعنی ایثار جان و این بزرگترین فداکاری برای نوع بشر است طبیعی است که هر کس حاضر نیست چنین گذشتگی بنماید مگر این که واقعا به هدف خود مومن و ایمان قوی داشته باشد .

آیا سربازانی که بچنگ اسرائیل رفتند این آمادگی را داشتند ؟

آیا مسلمانانی که قرآن را فراموش کرده اند .

آیا کشورهای مسلمانی که در آنها منتهیات اسلامی و منکرات و رذائل بحد و فور شیوع یافته است .

آیا مسلمینی که برخی بعضی دیگر را عجم میخوانند و بچشم بغض و عناد برادران دینی خود می نگرند و هنوز کلمه عجم برای ایشان بعنوان يك فحش و ناسزا شناخته و مصرف میشود .

آیا کشورهای عربی که با وجود وحدت زبان و دین در نفاق کامل بسر میبرند و روسای آنها حاضر بهمکاری با یکدیگر نیستند و اغراض حکام را بر مصالح اجتماع ترجیح میدهند و صدها آيای دیگر

آیا این چنین اجتماع آمادگی جهاد و ایثار جانرا دارد ؟

اگر واقعا ما مسلمان بودیم نه تنها سه میلیون یهودی بلکه هشتصد میلیون

مسیحی نیز نمیتوانست خلل در اوکان سیادت و استقلال ما وارد سازد ولی افسوس
می بینید که فعالیت تعداد محدودی چریکهای عرب با ایمان دولت اسرائیل را
بز انودر آورده است بطوریکه زعمای دشمن اغلب مجبور شده اند برای جبران شکستهای
عملیات چریکی بکارهای غیر معقول و انتقامجوئیهای وحشیانه دست بزنند و همین
رفتار ایشان تاحدی خبثت وجودی ایشان را ب مردم عالم آشکار ساخته است حال اگر
جمع مسلمانان عالم مانند چریکهای مذکور بوظائف دیانتی خود علاقمند بودند و وضع
چه صورتی بخود میگرفت آیا در اینصورت باز هم بعضی کشورها جرئت میکردند که
از یهودیان پشتیبانی کنند .

آیا معنای المسلمین أخوة این است که هیچکدام از کشورهای اسلامی با هم
مرزهای هم دین خود روابط حسنه نداشته باشند .

چرا باید عرب مسلمان با ایرانی مسلمان بچشم عناد بنگرد .

چرا باید اکثر کشورهای عرب با یکدیگر همبستگی سیاسی کامل نداشته باشند ؟

چرا باید دولت های عرب نفاق بین مسلمین را دامن بزنند تا آنجا که دوستان

خود را نیز از دست بدهند ؟

چرا باید در کشورهای عربی وضعی وجود داشته باشد که افراد آنها دلسرد باشند

و بهیچوجه علاقمندی بمصالح کشور از خود نشان ندهند ؟

در اینجا لازم است واقعه ای را که در ژوئن ۶۷ بچشم خود دیدم برای صدق مدعا

ذکر نمایم در آن زمان در يك دوره دانشگاهی اروپا مشغول تحقیق بودم و چند نفر

همکار کلمی و عرب داشتم وقتی روابط اسرائیل و اعراب تیره شد و احتمال وقوع جنگ

شدت یافت کلمیان تك تك بعنوان مرخصی و یا عناوین دیگر بسوی اسرائیل شتافتند

با وجودیکه اغلب با این عمل کار خود را از دست میدادند و زیانهای جبران ناپذیر بایشان

وارد میشد .

ولی دوست مصری من درست برعکس بود يك روز نزد من آمد و اظهار خوشحالی

نمود از اینکه راه‌های هوایی بامصرف قطع شده است و او اجباراً باید در اروپا بماند ، البته در مقابل تاثر من از این رویه نیز بی‌اعتنائی نشان داد .

با این روحیه که در افراد کشورهای اسلامی ملاحظه میشود نتیجه‌ای جز شکست و نابودی نباید انتظار داشت .

پس مطلب را خلاصه کنم . در جنگ ژوئن ۶۷ مسلمانان متفرق‌العقیده شکست خوردند نه اسلام و راه چاره نیز اجرای مقررات اسلامی و جلوگیری از شیوع منہیات در کشورهای اسلامی است تا تعلیم و تربیت صحیح اسلامی در بین مسلمین بوجود نیاید و تا مسلمانان واقعا مسلمان و متحد نشوند امیدی بیروزی نباید داشته باشند .

امیدوارم مسلمانان از این شکست مفتضحانه درس عبرت بگیرند و با برادران دینی خود متفقا بسوی اصلاح جامعه و جلوگیری از فساد و تقویت اخلاقی بپردازند . در اینصورت است که اعتلای اسلام قطعی خواهد بود .

و با حصول این نتیجه بهیچوجه نیازی بکمک کشورهای غیرمسلم برای احقاق حق مسلمین نبوده بلکه مانند قرون متمادی قبل دیگران دست‌احتیاج بسوی کشورهای اسلامی دراز خواهند کرد .

بامید آرزو

ژوئیه ۱۳۵۷
پرتال جامع علوم انسانی